

درپچه

پیروزی دیپلماتیک مقدونیه بر یونان

محمود فاضلی

■ دیوان بین‌المللی دآوری لاهه دولت یونان را به دلیل کارشنکی در تصویب درخواست مقدونیه برای پیوستن به سازمان ناتو محکوم کرد. این دادگاه با ۱۵ رأی موافق و یک رأی مخالف شکایت دولت جمهوری مقدونیه علیه یونان مبنی بر نقض ماده ۱۱ موافقتنامه موقتی سال ۱۹۹۵ را تایید کرد. در سال ۲۰۰۸ یونان به دلیل داشتن اختلاف مرزی، از الحاق مقدونیه به سازمان ناتو جلوگیری کرده بود.اگرچه حکم اخیر دادگاه اختلاف مرزی دو کشور را حل و فصل نمی‌کند اما به اتمامی که دولت مقدونیه به یونان وارد آورده است، نوعی اعتبار بین‌المللی می‌بخشد. اسکوپی، آتن را منتهم کرده است که با اقدام‌های غیرمنصفانه از ورود این کشور به اتحادیه اروپا و ناتو جلوگیری کرده است. مقدونیه ضمن استقبال از صدور حکم دیوان دآوری اظهار امیدواری کرد که یونان در جهت حل اختلافات مرزی گام بردارد. اختلافات مرزی دو کشور به زمان جدایی مقدونیه از یوگسلاوی در سال ۱۹۹۱ برمی‌گردد اما در واقع این اختلاف ریشه در تاریخ دو کشور از زمان اسکندر مقدونی دارد. دو کشور حدود دو دهه است که بر سر استفاده از نام مقدونیه با یکدیگر اختلاف دارند و مذاکراتی که با میانجیگری سازمان ملل متحد بین دو کشور برای حل و فصل این مناقشه صورت گرفته تاکنون بی‌نتیجه مانده است. آتن همچنین بارها تهدید کرده است در صورتی که پیشرفت قابل توجهی در خصوص مناقشه بر سر نام مقدونیه حاصل نشود، مانع از پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) خواهد شد.

آقای لوسکس پاپادیپوس نخست‌وزیر موقت یونان طی نامه‌ای در پاسخ به نامه آقای گروئفسکی نخست‌وزیر مقدونیه تمایل آتن را جهت برقراری روابط حسن همجواری با مقدونیه ابراز کرد. وی ضمن اعلام آمادگی یونان جهت مشارکت سازنده در مذاکرات مربوط به مساله نام بر ضرورت تحقق راهحلی که مورد استفاده تمامی کشورها قرار گیرد، تاکید کرده است. در حالی که یونان چندی پیش رسما اعلام داشته بود روند مذاکرات برای حل و فصل مساله نام ارتباطی به پرونده حقوقی که در لاهه در دست بررسی است، ندارد، سخنگوی وزارت خارجه یونان نیز طی سخنانی اعلام داشت موضع یونان درخصوص مساله نام تغییر نکرده و آتن بر ضرورت تحقق نام ترکیبی که مورد تایید دو کشور بوده و از سوی تمامی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی استفاده شود، تاکید می‌کند.

در این میان احزاب سیاسی یوننان موضوع متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. آقای ساماراس رئیس حزب نئودوموکراسی حزب اصلی مخالف (حزب دوم پارلمان) حکم دادگاه لاهه را مورد استفاده نامی کشورها قرار داده است. وی حتی در خواست اخیر نخست‌وزیر مقدونیه جهت انجام ملاقات دو جانبه در حاشیه اجلاس رهبران احزاب مردم اروپا را رد کرده است که پیش‌بینی می‌شود این اقدام وی به دلیل عدم تأثیر گذاری مساله نام جمهوری مقدونیه بر محبوبیت این حزب پیش از انتخابات پارلمانی در یونان اتخاذ شده است.نظرسنجی‌های اخیر در یونان نشان می‌دهد که حزب یادشده به پیروزی در انتخابات آتی پارلمانی قدرت را برای یک دوره چهار ساله به دست خواهد گرفت. حزب افراطی مردم یونان (حزب چهارم پارلمان) از مخالفان اصلی هر گونه گفت‌وگو با جمهوری مقدونیه در رابطه با نام این کشور بوده و تهدید کرده است در صورت هر گونه توافق با مقدونیه بر سر نام این جمهوری، از کابینه ائتلافی یونان که موجب برون‌رفت موقت این کشور از بحران داخلی شد، خارج خواهد شد. دو حزب کمونیست یونان نیز سیاست خارجی دولت‌های این کشور در رابطه با مقدونیه را مورد انتقاد قرار داده‌اند. حکم اخیر دیوان لاهه و همچنین تأکید وزرای خارجه کشورهای عضو ناتو در بروکسل مبنی بر ضرورت حل مساله نام پیش از عضویت مقدونیه در این سازمان بر تحولات سیاست خارجی یونان که پس از بحران اقتصادی اخیر به شدت به دنبال اعاده اعتبار بین‌المللی در میان کشورهای اروپایی است، تأثیر گذار خواهد بود. ناتو بارها اعلام داشته است تمامی تصمیمات ناتو به اجماع نظر میان اعضا نیاز دارد.
ناتو همچنین از دو طرف خواسته است

هر چه سریع‌تر به راه‌حلی در این زمینه دست یابند. وزیر خارجه مقدونیه چندی پیش در کمیسیون سیاست خارجی پارلمان اروپا خواستار تعیین جدول زمانی برای حل و فصل مساله نام این کشور و تحقق راهحلی که مورد پذیرش دو کشور واقع شود، شد. وی با غیرمنطقی خواندن موضع تأکید کرد «دوره مانع‌تراشی بر روند الحاقی مقدونیه به ناتو و اتحادیه اروپایی گذشته و تصمیمات رهبران یونان نباید به هویت فرهنگی و زبانی شهروندان دو کشور لطمه وارد کند» اما در این میان نخست‌وزیر ترکیه به عنوان یکی از متحاند مقدونیه و نخستین کشوری که مقدونیه را به رسمیت شناخت در سفرش به اسکوپیة در مهرماه گذشته با انتقاد از سیاست‌های دوگانه و سخنگبری‌های اتحادیه اروپا در‌باره موضوع عضویت ترکیه و مقدونیه در این اتحادیه تأکید دارد. عضویت در ناتو حق مقدونیه است و این کشور حق استفاده از اسم خود را دارد و افزودن پسوندهایی مانند «مقدونیه شمالی یا مقدونیه یابینی» بی‌معنی است. وی حتی پیش‌بینی کرد اسکوپیة پیش از ترکیه به عضویت اتحادیه اروپا پذیرفته خواهد شد. وی با اعلام حمایت ترکیه از عضویت مقدونیه در ناتو درخصوص اختلاف اسکوپیة و آتن در این خصوص بر حمایت کشورش از نام این کشور که با جمعیت ۲/۱ میلیون نفری بسا چالش‌هایی از جمله اقتصاد ضعیف، تنش با یونان و همچنین تنش با البانیایی تبارها و بیکاری ۳۲ درصدی روبه‌رو است، تأکید کرد. مقامات مقدونیه بارها از آنکارا خواسته‌اند که نام «جمهوری مقدونیه» را به صورت گسترده‌تری مورد استفاده قرار دهد.

درپچه

پیروزی دیپلماتیک مقدونیه بر یونان

محمود فاضلی

■ دیوان بین‌المللی دآوری لاهه دولت یونان را به دلیل کارشنکی در تصویب درخواست مقدونیه برای پیوستن به سازمان ناتو محکوم کرد. این دادگاه با ۱۵ رأی موافق و یک رأی مخالف شکایت دولت جمهوری مقدونیه علیه یونان مبنی بر نقض ماده ۱۱ موافقتنامه موقتی سال ۱۹۹۵ را تایید کرد. در سال ۲۰۰۸ یونان به دلیل داشتن اختلاف مرزی، از الحاق مقدونیه به سازمان ناتو جلوگیری کرده بود.اگرچه حکم اخیر دادگاه اختلاف مرزی دو کشور را حل و فصل نمی‌کند اما به اتمامی که دولت مقدونیه به یونان وارد آورده است، نوعی اعتبار بین‌المللی می‌بخشد. اسکوپی، آتن را منتهم کرده است که با اقدام‌های غیرمنصفانه از ورود این کشور به اتحادیه اروپا و ناتو جلوگیری کرده است. مقدونیه ضمن استقبال از صدور حکم دیوان دآوری اظهار امیدواری کرد که یونان در جهت حل اختلافات مرزی گام بردارد. اختلافات مرزی دو کشور به زمان جدایی مقدونیه از یوگسلاوی در سال ۱۹۹۱ برمی‌گردد اما در واقع این اختلاف ریشه در تاریخ دو کشور از زمان اسکندر مقدونی دارد. دو کشور حدود دو دهه است که بر سر استفاده از نام مقدونیه با یکدیگر اختلاف دارند و مذاکراتی که با میانجیگری سازمان ملل متحد بین دو کشور برای حل و فصل این مناقشه صورت گرفته تاکنون بی‌نتیجه مانده است. آتن همچنین بارها تهدید کرده است در صورتی که پیشرفت قابل توجهی در خصوص مناقشه بر سر نام مقدونیه حاصل نشود، مانع از پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) خواهد شد.

آقای لوسکس پاپادیپوس نخست‌وزیر موقت یونان طی نامه‌ای در پاسخ به نامه آقای گروئفسکی نخست‌وزیر مقدونیه تمایل آتن را جهت برقراری روابط حسن همجواری با مقدونیه ابراز کرد. وی ضمن اعلام آمادگی یونان جهت مشارکت سازنده در مذاکرات مربوط به مساله نام بر ضرورت تحقق راهحلی که مورد استفاده تمامی کشورها قرار گیرد، تاکید کرده است. در حالی که یونان چندی پیش رسما اعلام داشته بود روند مذاکرات برای حل و فصل مساله نام ارتباطی به پرونده حقوقی که در لاهه در دست بررسی است، ندارد، سخنگوی وزارت خارجه یونان نیز طی سخنانی اعلام داشت موضع یونان درخصوص مساله نام تغییر نکرده و آتن بر ضرورت تحقق نام ترکیبی که مورد تایید دو کشور بوده و از سوی تمامی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی استفاده شود، تاکید می‌کند.

در این میان احزاب سیاسی یوننان موضوع متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. آقای ساماراس رئیس حزب نئودوموکراسی حزب اصلی مخالف (حزب دوم پارلمان) حکم دادگاه لاهه را مورد استفاده نامی کشورها قرار داده است. وی حتی در خواست اخیر نخست‌وزیر مقدونیه جهت انجام ملاقات دو جانبه در حاشیه اجلاس رهبران احزاب مردم اروپا را رد کرده است که پیش‌بینی می‌شود این اقدام وی به دلیل عدم تأثیر گذاری مساله نام جمهوری مقدونیه بر محبوبیت این حزب پیش از انتخابات پارلمانی در یونان اتخاذ شده است.نظرسنجی‌های اخیر در یونان نشان می‌دهد که حزب یادشده به پیروزی در انتخابات آتی پارلمانی قدرت را برای یک دوره چهار ساله به دست خواهد گرفت. حزب افراطی مردم یونان (حزب چهارم پارلمان) از مخالفان اصلی هر گونه گفت‌وگو با جمهوری مقدونیه در رابطه با نام این کشور بوده و تهدید کرده است در صورت هر گونه توافق با مقدونیه بر سر نام این جمهوری، از کابینه ائتلافی یونان که موجب برون‌رفت موقت این کشور از بحران داخلی شد، خارج خواهد شد. دو حزب کمونیست یونان نیز سیاست خارجی دولت‌های این کشور در رابطه با مقدونیه را مورد انتقاد قرار داده‌اند. حکم اخیر دیوان لاهه و همچنین تأکید وزرای خارجه کشورهای عضو ناتو در بروکسل مبنی بر ضرورت حل مساله نام پیش از عضویت مقدونیه در این سازمان بر تحولات سیاست خارجی یونان که پس از بحران اقتصادی اخیر به شدت به دنبال اعاده اعتبار بین‌المللی در میان کشورهای اروپایی است، تأثیر گذار خواهد بود. ناتو بارها اعلام داشته است تمامی تصمیمات ناتو به اجماع نظر میان اعضا نیاز دارد.
ناتو همچنین از دو طرف خواسته است

هر چه سریع‌تر به راه‌حلی در این زمینه دست یابند. وزیر خارجه مقدونیه چندی پیش در کمیسیون سیاست خارجی پارلمان اروپا خواستار تعیین جدول زمانی برای حل و فصل مساله نام این کشور و تحقق راهحلی که مورد پذیرش دو کشور واقع شود، شد. وی با غیرمنطقی خواندن موضع تأکید کرد «دوره مانع‌تراشی بر روند الحاقی مقدونیه به ناتو و اتحادیه اروپایی گذشته و تصمیمات رهبران یونان نباید به هویت فرهنگی و زبانی شهروندان دو کشور لطمه وارد کند» اما در این میان نخست‌وزیر ترکیه به عنوان یکی از متحاند مقدونیه و نخستین کشوری که مقدونیه را به رسمیت شناخت در سفرش به اسکوپیة در مهرماه گذشته با انتقاد از سیاست‌های دوگانه و سخنگبری‌های اتحادیه اروپا در‌باره موضوع عضویت ترکیه و مقدونیه در این اتحادیه تأکید دارد. عضویت در ناتو حق مقدونیه است و این کشور حق استفاده از اسم خود را دارد و افزودن پسوندهایی مانند «مقدونیه شمالی یا مقدونیه یابینی» بی‌معنی است. وی حتی پیش‌بینی کرد اسکوپیة پیش از ترکیه به عضویت اتحادیه اروپا پذیرفته خواهد شد. وی با اعلام حمایت ترکیه از عضویت مقدونیه در ناتو درخصوص اختلاف اسکوپیة و آتن در این خصوص بر حمایت کشورش از نام این کشور که با جمعیت ۲/۱ میلیون نفری بسا چالش‌هایی از جمله اقتصاد ضعیف، تنش با یونان و همچنین تنش با البانیایی تبارها و بیکاری ۳۲ درصدی روبه‌رو است، تأکید کرد. مقامات مقدونیه بارها از آنکارا خواسته‌اند که نام «جمهوری مقدونیه» را به صورت گسترده‌تری مورد استفاده قرار دهد.

توماس فریدمن

مترجم: مرجان پیشانیی



این فکر وقتی به سرم زد که هفته پیش نیوت گینگریج (از کاندیداهای ریاست‌جمهوری حزب جمهوری‌خواه) برای مال خود کردن آرای یهودیان آمریکایی در یک اظهارنظر مبتذل گفت، فلسطینی‌ها یک ملت «جعلی» هستند و نمی‌توان نام دولت به آنان داد.

به نظر می‌رسد نیوت بیش از میت رامنئ (کاندیدای دیگر ریاست‌جمهوری از حزب جمهوری‌خواه) به اسرائیل علاقه دارد که به روزنامه اسرائیلی هیوم گفته بود: در صورت برنده شدن در انتخابات، سفارت آمریکا را از تل‌آویو به بیت‌المقدس منتقل می‌کند، چراکه «من فکر نمی‌کنم ما باید دست به اعمالی یزنیم مستقل از متحدان و اگر رهبران اسرائیل فکر می‌کنند این انتقال به حفظ منافع دولت‌شان کمک می‌کند، ما همان کار را می‌کنیم... فکر نمی‌کنم آمریکا باید نقشی رهبری‌کننده در روند صلح خاورمیانه داشته باشد و به جای این ما باید در کنار متحدان‌مان قرار گیریم.»درست است. نقش آمریکا است که برای هر کاری که اسرائیلی‌ها می‌کنند، کف بزند، در خدمت‌شان باشد و سکوت کند. ما از خودمان هیچ منافع نداریم، و اینها می‌خواهند رئیس‌جمهوری شوند؟ خب، بگذارید ببینیم، اگر طبق آنچه نوبت می‌گوید

جهان

دیدگاه

ما که هستیم؟

۲/۵میلیون فلسطینی ساکن کرانه غربی ملتی واقعی نیستند و نمی‌توانند تحت حاکمیت دولت خود باشند، پس یعنی اسرائیل می‌تواند تا ابد کرانه غربی را در اشغال خود داشته باشد و این اسرائیل را ملزم به انتخابی می‌کند که ۱)تا ابد از دادن تابعیت اسرائیلی به فلسطینی‌های ساکن کرانه غربی خودداری کند و به سمت نژادپرستی برود. ۲)فلسطینی‌های ساکن کرانه غربی را از طریق یک پاک‌سازی قومی اخراج کند و پس از آن به سمت دادگاه بین‌المللی کیفری لاهه برود. ۳) به فلسطینی‌های ساکن کرانه غربی عنوان شهروند اسرائیل بدهد مثل اعراب اسرائیلی (فلسطینی‌های ساکن اسرائیل که تابعیت اسرائیلی دارند) و نمی‌دانم کدام یک از این سه راه به نفع اسرائیل است. به جد بر این باورم که یهودیان بسیاری نگران راهی هستند که اسرائیل می‌رود و یهودیان آمریکا نیز نگرانند و بلا تکلیف، عمیقاً امیدوارم بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل بفهمد تشویق یکپارچه‌ای که در گذشته امسال نثار او شد به دلیل سیاست‌هایش نبود. در واقع لابی اسرائیل در یک دهه بستان پشت پرده هیاهوی کنگره را خریده بود. آزمون واقعی سخنرانی نتانیاهو در دانشگاه وبسکالنسین بود. گمان کنم بسیاری دانشجویان زنان باید با لباس مناسب از در عقب اتوبوس سوار شوند و

عقب اتوبوس بنشینند. گنج می‌شوند وقتی در مقاله‌ای در فایننشال تایمز درباره اسرائیل می‌خوانند «در هفته‌های گذشته کشور سخت آشفته بحث‌هایی است درباره وضع قوانین و ارایه طرح‌هایی که به باور بسیاری برای خاموش کردن هر مخالفتی، کاهش حقوق اقلیت‌ها، محدود کردن آزادی بیان و سست کردن نظام قضایی تدوین شده‌اند». اینها شامل قوانینی هستند که به جوامع اسرائیلی اجازه می‌دهد خانواده‌های عرب را از گردونه خارج کنند و قانونی که نسبت به اعمال تحریم بر کالاهای شهر کنش‌نشینان [اصهیونیست] مجازات‌هایی تعیین می‌کند و طرح پیشنهادی که دست دادگاه عالی را برای نظارت بیشتر بر امور سیاسی باز می‌گذارد. گنج می‌شوند وقتی می‌خوانند گیدئون لوی از چهره‌های سرشناس لیبرال اسرائیل در روزنامه هاآرتس می‌نویسد «هر کس بگوید این قوانین اهمیت زیادی ندارد، دیگران را به بیراهه می‌برد... آنچه شاهد آنیم یک جنگ است. جنگ فرهنگی تمام عیاری در اسرائیل راه افتاده و دامنه آن بسیار بیشتر و عمیق‌تر از آن چیزی است که به نظر می‌آید. این تنها دولت نیست که با همه اهمیتی که دارد سرگردان شده، شخصیت‌های فراوانی نیز در همین وضعیت هستند.»پس آنگاه که نیوت طلبکارانه می‌پرسد که این فلسطینی‌ها کیستند، نمی‌داند که اسرائیلی‌های هم هستند که از خود می‌پرسند «پس ما که هستیم؟»

منبع:نیویورک تایمز

خوابی که سلفی‌ها برای مصر دیده‌اند

ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی

لیبی و سوریه و دیگر کشورهای خاورمیانه هم رسید. کار کرد و قدرت اجرایی سلفی‌ها نه‌تنها بسیاری از مردم مصر بلکه بیش از همه جوانان انقلابی، لیبرال‌ها، چپ‌گرایان، مسیحیان قبطی و گروه‌های میانه‌رو اسلامی را در گفتگی فرو برد زیرا سلفی‌ها همان کسانی بودند که احساسات برخی از مردم را علیه قبطیان تحریک می‌کردند و جالب آنکه همان کسانی بودند که انقلاب مصر را تحریم و از آن به عنوان حرکتی ساخته و پرداخته «هیونیست‌ها و روسی‌ها» یاد می‌کردند. سلفی‌ها تا مدت‌ها انتخابات را امری «غیراسلامی» می‌دانستند و اکنون همین گروه به عنوان افرادی نمودگرات به قدرت می‌رسند؟

تشکیل حزب

حزب نور در بهار امسال با شرکت گروه‌های مختلف محافظه‌کار و سابقاً شبه‌نظامی تأسیس شد. اگرچه تا آن زمان هیچ بلندپروازی دموکراتیکی از این گروه مشاهده نشده بود اما همگان از رابطه نتانگتگن سلفی‌ها با پادشاهی عربستان سعودی آگاه بودند. از قرار معلوم حکومت نفتی و وهابی عربستان از زمان تأسیس حزب نور نزدیک به صد میلیون دلار به عنوان کمک‌های انتخاباتی به این کشور واقع در کرانه نیل سراریز کرده است. دیدگاه‌های سیاسی سلفی‌ها نیز مانند مساجد آنها ساده است. آنان ادعا می‌کنند که بر پایه الگوی پیامبر اسلام و «سلف صالح» زندگی می‌کنند و البته برداشت آنان از زندگی پیامبر «نور» در انتخابات مصر نتوانستند بعد از اخوان المسلمین برنده این میدان باشند، غرب با نگرانی به تحولات قاهره می‌نگرد. در همان اولین دور انتخابات بود که ۶۰درصد از کاندیداهای این دو حزب اسلام‌گرا به پیروزی رسیدند و یک‌سوم کرسی‌های مجلس نیز نصیب کاندیداهای منفرد شد.

و به این ترتیب بود که آن حرف همیشگی اسلام‌گرایان به اثبات رسید. آنان همواره بر این باور بودند که اگر در سراسر خاورمیانه اسلامی انتخاباتی آزاد برگزار شود این اسلام‌گرایان و احزاب اسلامی هستند که پیروز آن انتخابات می‌شوند. البته این ادعا پیش از این یعنی در سال ۲۰۰۶ در غزه، در سال ۲۰۱۰ در عراق و در سال ۲۰۱۱ در ترکیه و تونس و مراکش نیز به اثبات رسیده بود. اما تنها در مصر است که گروهی رادیکال چون سلفی‌ها توانستند که حزب تأسیس کرده و در چارچوبی حزبی وارد عرصه انتخابات شوند. مصر یعنی همان پرجمعیت‌ترین کشور جهان عرب همزمان از نظر فرهنگی نیز پرنفوذترین کشور عربی به حساب می‌آید و دامنه آن ضرابهنگ انقلابی که ۱۱ ماه پیش در میدان تحریر قاهره ناوختن را آغاز کرد، به

او که یک وکیل دادگستری است یکی از قهرمانان انقلاب مصر به شمار می‌آید. هر کس که در میدان تحریر مبارزه کرده باشد عمرو را می‌شناسد. در سال ۲۰۰۴ به یک حزب لیبرال پیوست و تجربه ناموفقی را در انتخاباتی که رژیم مبارک بر گزار می‌کرد، پست سر گذاشت. عمرو در سال ۲۰۰۸ تبدیل به یکی از چهره‌های اصلی «جنبش جوانان ششم آوریل» شد؛ همان جنبشی که نقشی اثرگذار در انقلاب ایفا کرد. این جنبش در واقع یک صفحه فیس‌بوک گروهی بود که، رفته‌رفته اعضای آن به هزار، ۱۰ هزار و صدها هزار نفر رسید.

عمرو از همان روز نخست به همراه دوستانش به میدان تحریر رفت و شعار داد و سرود خواند. جادوی آن روزها و تجربه‌هایی که منجر به برقراری آزادی شد، از نظر عمرو ازرنده بود و وی هرگز آن را فراموش نمی‌کند. پس از آن عمرو از کسوت یک انقلابی درآمد و کاندیدای انتخابات شد. اگر چه وی در محله فقیرنشین



۲۰۱۱

روزنه

محمود در برابر حامد

فردریک بوین / ترجمه: علی شیخان

■ در خانواده کزای، محمود آدم بانفوذ و پولداری است و بهشت از دست نبرادرش، حامد، خشمگین؛ رئیس‌جمهوری که از داخل کاخش در کابل، افغانستان را به بحران کشانده؛ کشور فقیری که در جنگ‌های ۳۰ ساله‌اش بسیار خون داده است. محمود در قندهار زندگی می‌کند؛ «هرکز» جنوب پشتون که زادگاه طایفه کزای به شمار می‌رود. او نه در یک کلک بلکه ساکن مکانی است با معماری سبک باروک در میان ویلاهای باشکوه، که بر اثر تابش شدید نور خورشید در آن منطقه بیابانی، به رنگ زرد درآمده است. خودش این ارگ پوشیده از گل‌های گران‌قیمت را به زبان پشتو «آیتو مینا» به معنای خانه آیتو می‌نامد. آیتو یک قهرمان افسانه‌ای سلطنتی افغانستان است. مسایل حفاظتی خانه نیز کاملاً رعایت شده که در شهری که مهد معنوی جنبش طالبان محسوب شده و خط مقدم نبرد سنگین میان تفنگداران آمریکایی و شورشیان مورد حمایت پاکستان بوده، امری ضروری است.

محمود به حامد ناسزا می‌گوید، یا به عبارتی برادر بزرگ‌تر برادر کوچک‌تر از مسرود محرم قرار می‌دهد. حرف‌هایش از راهم در دفتر کارش در همان محل سکونتش بیان می‌کند. در حالی که روی کاناپه‌ای پوشیده از فرش‌ی ارغوانی چمباتمه زده، پرخاشگرانه می‌گوید: «این دولت واقعا بی‌کایات است. ما در نظامی کاملاً قرون وسطایی زندگی می‌کنیم!» «فساد» حکومت سرمنشاء خشم و عصبانیتش است. این بازرگان مبتلا به جوع که در حدود صد پروژه صنعتی یا تجاری دستی دارد، دیگر سر و صدای بوروکرات‌های چپوالگر را تاب نمی‌آورد و با ناراضیاتی می‌گوید: «افغانستان دیگر نمی‌تواند خود را از زیر بار چنین فسادی نجات دهد. تنها اقلیتی مختصر در حدود یک‌درصد توانمند می‌شوند. حالا می‌فهمیم که طالبان چطور توانستند نفوذشان را بازسازی کنند».

محمود بیشتر از آن متأسف است که برادرش چشم‌الش را می‌بندد یا خودش را به نفهمی می‌زند. او با ابراز تأسف می‌گوید: «سلفه‌ها حامد درست نیست. او وزیران و متحدانش را مورد پشتیبانی قرار می‌دهد از افرادی حمایت می‌کند که خوب می‌دانند آدم‌های فاسدی هستند و اولویت‌های دیگری جز پولابن کشور و حل و فصل پایهای مشکلات دارند». محمود در قتل یک مخالف تمام‌عیار صحبت می‌کند. این ناراضی قهقهرای اعتراف می‌کند که یک روز این فکر به سرش زده که برود بالای منبر و مردم را به مقاومت در برابر کابل کاخ فراخواند: «اگر برادر منم، بزرگ‌ترین جنبش سیاسی کشور را برپا رانداختم بومد». اما حرف‌های محمود کزای افغانی‌ها را به خنده می‌اندازد. چون او را برادر ناسپاسی می‌دانند. بازرگانی که حال در میان ثروتمندترین افراد کشور جای دارد بدون دستیابی برادرش حامد به قدرت در سال ۲۰۰۲ پس از سقوط رژیم طالبان، چه سرنوشتی داشت؟ محمود پیش از بازگشت به کشور جز یک رستوران‌دار مهاجر افغان در کابل نبود. در شیکاگو، بوستون، کمبریج، بالتیمور و کالیفرنیا رستوران خریده بود و در آنها غذاهای افغانی، فرانسوسی یا مکزیکمی می‌داد. اموراتش می‌گذشت اما بازگشت به افغانستانی تحت هدایت برادرش امکانات فوق‌العاده‌ای را برایش به ارمان آورد.

حال او در راس یک امپراتوری قرار دارد که از ملک و بانک گرفته تا سیمان، واردات خودرو و معادن زغال سنگ در آن جای دارد؛ صعودی خیره‌کننده که تنها به استعداد امپراتور آن مربوط نمی‌شود.

اما این امپراتوری مانع از خندشدار شدنش نشده است. به اذعان خودش بانک کابل یکی از عمده‌ترین بانک‌های خصوصی افغانستان به هم محمود به یکی از سهامداران در اقلیت این بانک محسوب می‌شد. این بانک خصوصی – به گفته یک دیپلمات غربی – در زمان مدیریت محمود به معنای واقعی کلمه «فارت» شد، چرا که با اسناد ساختگی استقراض‌های عجیب و غریبی کرد که بیشتر آن صرف خرید ویلا در دویی شد. او همچنین در وام‌های نامشخصی ذی‌نفع بود. البته ادعا می‌کند که همه را تا امروز تسویه کرده و با فریاد و هیاهو می‌گوید: «من خاص‌ترین آدم افغانستان هستم.» اما به ادعای خودش از او که برادر رئیس‌جمهور است هیچ حمایتی در برابر اتهامات نشده است: «هیچ تفاوتی میان افراد شرافتمند و دزد وجود ندارد»

این موضوع سیاه خانواده کزرای را در وضعیت تاسف‌باری قرار داد. یعنی محمود را در برابر حامد قرار داده است. آیا دلالتش به قندهار آمده؟ همانند خاندان‌های سیاسی آسیای جنوبی (نپرو، گاندی، بوتو)، حال خانواده کزای هم گرفتار تلاطمات گاهی ترازیک شده است.

ریش‌سفید این قوم، عبدالاحد کزای، پدر حامد و سرسلسله خاندان سلطنتی، در سال ۱۹۹۹ در حالی‌که به قطا در پاکستان پانده شده بود، توسط طالبان کشته شد. زمانی که حامد به تاج و تخت کابل رسید، امور قندهار را به برادر کوچکش، احمد ولی، سپرد که در به قهقرا بردن این ولایت درهای کوتاهی نکرد. این اشراف‌زاده روستایی هم به نوبه خود در ژوئیه ۲۰۱۱ به قتل رسید و برادر دیگرش شاه ولی جای او را گرفت. اما این آخری فردی کم‌رو و بی‌تجربه بود و زمان برد تا مسلط به کار شود. حال تنها قیوم کزای، برادر بزرگ‌تر و مرد در سایه باقی‌مانده است که در پشت صحنه به انتظار نشسته است. به اعتقاد محمود که به دنبال جانشینی برای ریاست‌جمهوری حامد، مایه ناامیدی بزرگ خاندان، می‌گردد، قیوم آینده‌ای درخشان دارد.

منبع:لوموند